

عاشورا؛ روز معاشرت با امام (علیه السلام)

عشر به کسر عین و عشرت، به معنای معاشرت و مصاحبت است. معاشر به ضم میم یعنی مصاحب و عاشر اسم فاعل عشر است که خودش ثلاثی مجرد اسم مصدر عشرت است. خداوند می فرماید: «وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء/۱۹) با زنان آن گونه که شایسته آنان است معاشرت کنید. عشیر یعنی همدم و رفیق؛ «وَلَيْسَ الْعَشِيرُ» (حج/۱۳) چه بد دوستی انتخاب کرده اند و چه بد معاشر و رفیقی است

العاشور از ریشه عشر به کسی گفته می شود که معاشرت خصلت او باشد. العاشوراء جایی که میل به معاشرت و رفاقت و مصاحبت نمایان می شود و افراد میل معاشرت خود را با کسی که مورد نظر است عرضه می کنند؛ و عاشورا مبالغه است از میل به معاشرت؛ یعنی روزی که میل معاشرت و رفاقت با امام (علیه السلام) به شدت بالا می رود.

تاسوعا؛ روزی برای وسعت ظرفیت

با خارج شدن عاشورا از سلسله اعداد، عدد بودن تاسوعا نیز مورد تردید قرار می گیرد و معنی نهم را از دست می دهد. اتسع به فتح الف یعنی گروه های ۹ نفره شدند. اما اتسع به کسر الف یعنی وسعت پیدا کرد - گشاد شد - فراخ گردید. اتساع یعنی گسترده شدن و گشاد شدن. بالا رفتن ظرفیت اتساع شرائین؛ یعنی رگ ها گشاد شدند و ظرفیت شان برای عبور خون زیاد باشد.

باسم رب الشهداء و الصديقين



پهچسده شمیمت همه جا ای تن بی سر
چون شیشه عطری که درش کم شده باشد
سعد بهلانی

کاری از واحد فرهنگی پژوهشی مدرسه علمیه حضرت

زینب(س) - شهرستان امیدیه - تابستان ۱۳۹۹

التاسوع چیزی که فراخی و گستردگی و ظرفیت اش زیاد باشد؛ و بالاخره التاسوعا یعنی جایی که بتوان ظرفیت را بالا برد و فراخی ایجاد کرد؛ و تاسوعا این معنی را پیدا می کند: روزی که ظرفیت بالا می رود و در سینه ها فراخی ایجاد می شود و به جای تنگی، وسعت می یابد.

این دو نام از ابداعات امام سجاد (علیه السلام) است و اگر در بعضی از روایات از پیامبر اکرم (صلوات الله علیه و آله) از عاشورا گفته شده است، اکثراً جعلیات بنی امیه برای کم کردن اثرات عاشورای امام حسین (علیه السلام) است. اما در مورد تاسوعا تقریباً نداریم که قبلاً از امام سجاد (علیه السلام) لغت تاسوعا به کار برده شده باشد و این معنا از عاشورا و تاسوعا خیلی عاشقانه است. حادثه عظیم عاشورا یکی از مهم ترین تحولات سیاسی اجتماعی تاریخ بشریت و یکی از رویدادهای بی نظیر در تداوم خط رسالت پیامبران الهی است که باید به درستی تجزیه و تحلیل گردد؛ بررسی

هرچه بهتر نهضت عاشورا بدان گونه که چهره ی واقعی قیام ترسیم گردد، لزوماً ما را به مباحث تاریخی، روان شناسی فرد و جامعه، مطالعات فعل و انفعالات و تحولات جامعه بشری، جامعه شناسی و ... مربوط می سازد.

در نگاهی دقیق تر می توان بعضی از آنها را در موارد زیر نیز جستجو کرد.

یزید به والی خود در مدینه نوشت: حسین (علیه السلام) و عبدالله بن زبیر و عبدالله بن عمر را احضار نموده و از آنها بیعت بگیر و اگر بیعت نکردند آنها را گردن بزن و سرشان را برای من به شام بفرست. امام در جواب این هتاک، شجاعانه فرمود: هنگامی که امت اسلامی به پیشوائی مثل یزید گرفتار گردد باید فاتحه اسلام را خواند و بدین جهت از بیعت با یزید امتناع ورزید.

۲. امر به معروف و نهی از منکر

امام حسین (علیه السلام) در بیان هدف قیام شان می فرماید: منظورم (از این قیام) امر به معروف و نهی از منکر است.

۳. اصلاح امت و مبارزه با فساد

چنان که خود حضرت فرمود: انگیزه ام از قیام، اصلاح امت جدم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است به عبارت دیگر؛ یکی از علل قیام امام حسین (علیه السلام) زنده کردن ارزشهای اسلامی بوده است. ارزش هایی همچون معارف حق و از بین بردن بدعت ها و... وحدت امت اسلامی، حریت (آزادی و آزادگی)، اخلاق اسلامی و انسانی، زنده کردن معارف حق و از بین بردن بدعت ها و... این هدف آن چنان عالی است که امام می فرماید: «مگر نمی بینید که به حق عمل نمی شود و از باطل جلوگیری نمی گردد. (اگر برای تغییر این وضعیت) مؤمن مشتاق دیدار پروردگارش باشد (و جان خود را فدا کند) شایسته است»

چون مردم کوفه با ارسال حدود ۱۲ هزار نامه برای امام (علیه السلام) آمادگی خود را برای کمک به امام با لشکر صد هزار نفری اعلان نمودند. معلوم است که اگر امام اجابت نمی فرمود، چه بسا در برابر خدا و امت اسلامی و تاریخ مسئول بوده و مواخذه می گردید.

امام حسین علیه السلام و احیای دین

اسلام به عنوان کامل ترین دین دارای برنامه های متنوع زندگی است و در احکام و دستورات خود تغییرات و دگرگونی هایی را پیش بینی کرده است. به همین جهت اهرم هایی را برای پویایی خود در نظر گرفته است، لذا اگر این تغییر و تحولات بیرون از حوزه دین بر آن تحمیل گردد، بدعت و تحریف شناخته می شود. واژه بدعت به معنای نسبت دادن عقاید و دیدگاه های جدید به دین است که با مبانی قرآن و سنت معصومین (علیه السلام) سازگاری ندارد. امام حسین (علیه السلام) ظهور بدعت ها و رواج تحریفات را یکی از مهم ترین عوامل آسیب زا در قلمرو امامت می دانست و معتقد بود که حکومت اموی موجب پدید آمدن بدعت هایی در دین شده است و با تقویت آن ها جامعه مسلمین را به مخاطره انداخته است.



منابع:

<https://www.borna.news/>

<https://www.eghtesadbartar.com/>